[صد و سی و دو]

در اصل توسط **Hosein-** نوشته شده است

> [illegible] آیا این واقعا دلیل می‌شود؟ [illegible]

دلیل برای چه؟ برای حقانیت؟ برای اعجاز واقعی؟ خیر، این دلیل نمی‌شود، منطق خود قرآن هم همین است که اکثریت دلیل حقانیت نیست، اما دلیل عدم شکست بالفعل تحدی قرآن نسبت به متونی که می‌شود، چون خلاصه قرار گفته است مثل من بیاورید، و عملا متونی مثل قرآن نشده است.

> به علاوه حتی به فرض که اقبال عمومی علامت برتری باشد؛ اما همین هم باز محل بحث است؛یعنی فرض کنید من ملای رومی هستم و الان متونی را آوردم و ادعا کردم این مثل قرآن است. آیا باید چند قرن بگذرد تا معلوم شود قرآن بالاتر از متونی است؟

خیر، چند قرن گذشتن یکی از طرق انجاز تحدی است، و زمان حال که متونی آوردید، راه خاص خود دارد، که بخشی از آن را عرض کردم که وقتی ادعا میکنید مثل قرآن آوردید شما باید توضیح دهید و اثبات کنید که متونی شما مثل قرآن است، و جواب از ادعای شما هم راهکار خود را دارد که بحث خواهیم کرد.

> من نظر شخصی خودم در پاسخ به اشکالات فوق این بود که اساسا (با توجه به بحث علامه ذیل آیات محکم و متشابه که ایشان یکی از وجوه وجود متشابه در قرآن را تفاوت درک انسانها می داند که موجب می شود آیه ای برای یکی محکم و برای دیگری متشابه باشد) شاید یک اشتباهی که در بحث اعجاز رخ داده این است که افراد متناسب با سطوح درک خود ممکن است چیزی برایشان اعجاز قلمداد شود (اعجاز یعنی صدور این از دیگری -چه خودش چه هرکس دیگر- را محال عقلایی (نه محال عقلی ریاضی) بداند نه اینکه فقط زیبایی فوق العاده را اذعان کند) که کس دیگری با سطح دیگری چیز دیگری را اعجاز ببیند و خطاست که انتظار داشته باشیم یک استدلال ریاضی وار برای اعجازیافت شود که برای همگان یکسان جواب دهد.

اینکه اشتباه در بحث اعجاز رخ داده باشد، چنین نیست، عبارت معروف که به گمان از خواجه نصیر است که: **«العوام للفعلیة أطوع و الخواص للقوليّة أميل»** بیان مناسبی است، صبغه شخصی اعجاز، با صبغه اجتماعی تاریخی اعجاز، فرق میکند، همانگونه که وجه نفس الامری اعجاز با هر دو آنها فرق دارد.

> در واقع در بحث اعجاز از دو جهت از فضای استدلال ریاضی باید فاصله بگیریم:
> یکی از حیث استحاله وقوع آن از غیر (که استحاله ریاضی نیست بلکه استحاله عقلایی است
> و دوم از حیث اقناع گری مخاطب؛ که همه را به یکسان اقناع نمی کند

استدلال ریاضی به معنای خروجی صفر و یک با یقین مضاعف دو ارزشی، اصلا مربوط به حوزه اعجاز نیست، و اما استدلال ریاضی شامل حساب احتمالات و منطق فازی، پس در هر دو جهتی که فرمودید، اشکالی ندارد، بلکه استدلال ریاضی دو ارزشی هم اگر رمز اعجاز قرآن کریم را این بگیریم که تدوین نگاشتی تکوینی است، معنا پیدا میکند، و هر چند استدلال ریاضی دو ارزشی در تدوین اخباری زبانی از تکوین هم محتمل است اما در تدوین نگاشتی، خیلی واضح است که تدوین تمام تکوین و نفس الامر، فقط از ناحیه خدای محیط بر همه امکان پذیر است و از غیر او محال است.

> بر این اساس چه بسا بتوان دفاع کرد که قرآن از همه وجوه اعجاز دارد اما غالبا هر کسی فقط یک وجه از این وجوه اعجاز را درک می کند و همین وجه برای اذعان وی به صدق نبی کافی است.
> با این بیان شاید بتوانم از سخن شما این گونه دفاع کنم که درک اعجاز اساسا یک امر شخصی است؛ همان گونه که ایمان آوردن یا نیاوردن هم اساسا یک امر شخصی است (منظورم به معنای حقوق شخصی نیست و کسی این را با آن بحث اندرستی که می گویند دینداری جزءحقوق شخصی است و نباید در حقوق عمومی مطرح شود خلط نکند)؛بلکه منظورم ماهیت ایمان آوردن است که خود شخص باید در این زمینه به نتیجه برسد. یعنی هرکس باید ببیند آیا می تواند مثل قرآن (به هر معنایی از مثل که به نظر او ارزش بحث کردن دارد) بیاورد یا خیر؛ آنگاه هرکس می یابد که واقعا برای او از یک جنبه اعجاز دارد. و جمع این مطلب با کلام شما این می شود که حال اگر فرد سوءاستفاده گری (مثل مسیلمه کذاب) ادعا کرد این چیزی که من آوردم مثل قرآن است اینجا عرف عقل باید قضاوت کند. یعنی هر عاقلی کلاه خود را قاضی کند که آیا واقعا قرآن برتر است یا این؟

شخصی کردن اعجاز، مانعی ندارد، اما نباید با صبغه‌های دیگر اعجاز، مانعة الجمع شود، همانطور که توضیح دادم.

بازبینی #1
ایجاد شده 13 آوریل 2025 16:33:17 توسط ... .
به روزرسانی شده 13 آوریل 2025 16:34:06 توسط ... .